

## ترس انگلیس ها از شکست های متواتر نادرخان و ناکامی پلان های استعماری شان (از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

طوریکه در قسمت های قبلی هم دیده شد، نادرخان قبل از آنکه کمک های بیشتر انگلیس برسد و بحیث آخرین تلاش اجازه جمع آوری لشکر قبایل وزیر و مسعود آنطرف خط تحمیل شده دیورند را بگیرد، شکستش را قبول کرده و با حسرت و مایوسیت زیاد با فرستادن حاجی محمد اکبر خان از انگلیس ها خواسته بود تا با حبیب الله کلکانی راجع به شرایط عفو عمومی و بازگشتش به هند بریتانوی مذاکره کنند. این تقاضای نادرخان حتی برای انگلیس ها هم غیر مترقبه و باور نکردنی بود.

TELEGRAM R., FROM N.-W. F. PROVINCE, PARACHINAR, No. 315-R., DATED THE 6TH (RECEIVED 7TH) OCTOBER 1929.

Haji Mohamed Akbar has come here with further communication from Nadir Khan. It was made orally from notes and owing to length is being sent by express letter. He expresses gratitude to Government of India for their reply regarding his safety, and regrets that Government has not acceded to his other requests owing to policy of neutrality. He then goes on to discuss terms on which Government might negotiate peace and general amnesty with Habibullah. Haji is returning to Afghanistan and will come for reply later.

لذا از حاجی محمد اکبر خان خواستند تا در رابطه با میانجیگری بین نادرخان و حبیب الله کلکانی صلاحیت نامه تحریری نادرخان را باید داشته باشند، و به پولیتیکل ایجنت انگلیس ها در پاراچنار هدایت داده میشود که «اگر حاجی تا هنوز نرفته باشد به او فهمانده شود که پیغام نادر به حکومت [هندبریتانوی] ابلاغ شده است و مورد توجه جدی قرار میگیرد. در عین حال باید به او هوشدار داد که در چنین موارد بسیار حساس برای حکومت ناممکن خواهد بود تا بدون

(۵۱)

TELEGRAM R., TO N.-W. F. PROVINCE, PARACHINAR, No. 3039-S., DATED THE 8TH OCTOBER 1929.

Clear the line. Your 320-R.\* If Haji has not left please let him know that Nadir's message has been communicated to Government and is engaging their most serious consideration. At the same time you should warn him that in a matter of such extreme delicacy it would be impossible for Government to move unless they have Nadir's written authority to do so on specified terms. It should at the same time be added that Government have of course not the slightest wish to influence Nadir one way or the other but are simply willing to use their good offices for honourable peace if they are spontaneously requested to do so.

If Haji has already left written message to above effect should be sent after him.

اینکه اختیار کتبی نادر را برای انجام این کار با شرایط مشخص او داشته باشند، اقدام نمایند... اگر حاجی رفته باشد، چنین پیغامی را بصورت تحریری برایش بفرستید.» (تلگرام شماره ۳۰۳۹ مؤرخ ۸ اکتوبر به حکومت ایالت سرحدی شمال غربی).

چون انگلیس ها آرزو نداشتند که نادر خان میدان را ترک کند، وضعیت پیش آمده آنها را به ترس انداخته و ادار ساخت تا با در نظر داشت گزینه های موجود، پلان رساندن نادر خان به تاج و تخت کابل را دوباره ارزیابی کنند.

چرا نادرخان برای انگلیس ها از کاندیدان دیگر بهتری داشت؟

اینکه چرا برای استعمار انگلیس از بین تمام کاندیدان و مدعیان تاج و تخت کابل محمدنادرخان را بهترین کاندید دانسته و ترجیح میدادند، دلایل متعدد وجود داشت، مانند:

— سوابق خانوادگی: به گفته سید قاسم رشتیا، «تاجائیکه از اسناد محرمانه دولت بریتانیا برمی آید، نادرخان حتی در زمان پادشاهی امیر حبیب الله خان [پدر غازی امان الله خان] از طرف مقامات مسؤل آن دولت در جمله کاندیدهای سلطنت افغانستان در نظر بوده است. شک نیست که این انتخاب هم اتفاقی نبود، بلکه ریشه های آنرا باید در یک قرن پیشتر، از زمان سردار سلطان محمدخان طلائی جد اعلی این خاندان و ارتباط با انگلیس ها سراغ نمود و دوام این رابطه را توسط سردار یحیی خان و زکریا خان پسران او که عملاً در دوران جنگ دوم افغان و انگلیس جانب انگلیس ها را گرفته بودند، و سپس بویسله فرزندان ایشان سردار محمد آصف خان و سردار محمد یوسف خان صاحبان خاص امیر حبیب الله خان جستجو نمود و بلاخره مابعد...». (سیدال یوسفزی (نام مستعار سید قاسم رشتیا)، میزان ۱۳۷۸، تاریخ سکوت می شکند: نادر چگونه به پادشاهی رسید؟، ص ۱).

— علاقه و لیاقت رسیدن به اورنگ شاهی: نادرخان که خیال رسیدن به اورنگ شاهی را در سر داشت، به ظاهر میخواست نشان دهد که ضد انگلیس است، اما در حقیقت طوری که با اسناد متعدد و انکار ناپذیر، ذکر شد با انگلیس ها روابط نزدیک داشته و از منافع آنها دفاع میکرد. چنانچه فریزر تنلر وزیر مختار انگلیس در کابل، بعد ها در کتاب خود بنام «افغانستان: انکشافات سیاسی آسیای مرکزی و جنوبی» علاقه جنون آمیز رسیدن به سلطنت محمد نادرخان را ذکر کرده نوشت که «نادرخان هنگام سفارت در پاریس (۱۹۲۵) با لاردر گرووی سفیر بریتانیه تماس حاصل کرد، و در (۱۹۲۶) استعفا نمود. محمد هاشم خان و شاه ولی با او یکجا شدند، و در کمین فرصت نشستند. نادرخان وطن پرستی بود!!] که مملکت خود را به شدت نزدیک به تعصب دوست داشت!!!]، و معتقد بود که از طرف خدا انتخاب شده تا مردم افغانستان را به سعادت و صلح هدایت کند».

— سوابق روابط شخصی با انگلیس ها و کفایت حفظ منافع آنها: در رابطه با سازش و ارتباطات سردار محمد نادرخان و خانواده اش درین جا به چند سندذکر شده از اسناددقتر مربوط به هند بریتانوی در آرشیف انگلستان اکتفامیکنم.

— انگیزه و عمق ریشه های مخالفت با امان الله خان: انگلیس ها از همان سالهای اول عهد امانی اطلاعاتی را در دست داشتند که حاکی از مخالفت سپه سالار محمدنادرخان با پالیسی های رژیم امانی بود. در اسناد آرشیف هند بریتانوی در پهلوی عوامل دیگر دو علت مهم اختلاف و دشمنی محمدنادر خان با امان الله خان یکی اتکا بر مشاورین و صاحبمنصبان ارتش ترکیه خصوصاً جمال پاشا در رابطه با اصلاحات در اردو و دیگری هم ازدیاد صلاحیت ها و نفوذ محمد ولی خان دروازی ذکر شده اند. چنانچه راپور هفته وار ۴ دسمبر ۱۹۲۰ دفتر خاص اطلاعات در قسمت افغانستان به مشاجره شدید لفظی بین غازی امان الله خان و محمد نادرخان در رابطه با همین موضوع نفوذ جمال پاشا اشاره نموده است. (اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، خلاصه راپور هفتگی شماره ۴۱ دفتر خاص اطلاعات پشاور، FO 371/6740). موضوع انگیزه و عمق ریشه های مخالفت سپه سالار نادرخان با غازی امان الله خان را در آینده به تفصیل خواهیم دید.

گروگان بردن زنان خانواده نادرخان توسط حبیب الله کلکانی:

مشکل دیگری که هم نادرخان و هم انگلیس ها را به تشویش انداخته بود، سرنوشت زنان و اطفال خانواده نادرخان بود که به خانه امن حضرات شوربازار پناه برده بودند توسط حبیب الله کلکانی از آنجا نخست به زندان سرای علی خان و در اواخر به زندان ارگ انتقال داده شدند.

یکی از شرایط پیشنهادی نادرخان در رابطه با دستبرداری از جنگ با حبیب الله کلکانی (ماده ب) هم کشیدن فامیل های نادرخان از کابل و انتقال آن به جای امن بود. از طرف دیگر این موضوع گروگان گیری خانواده های نادرخان برای سکوی ها حتی اهمیت بیشتر داشته و از آن برای برسمیت شناختن امارت شان استفاده مینمودند. (تلگرام شماره ۲۹۵۸ پشاور به وزارت امور خارجه برای هند در لنده، مؤرخ ۳۰ سپتمبر ۱۹۲۹).

عجله انگلیس ها در نصب کردن نادرخان بر تخت کابل

با شکست کاندیدان و مدعیان دیگر تاج و تخت افغانستان (خارج شدن غازی امان الله خان و سردار عنایت الله خان از افغانستان، دستگیری و اعدام والی علی احمد خان شاغاسی توسط نیرو های سکوی، و بیرون رفتن غوث الدین خان

احمدزی از افغانستان به قلمرو هند بریتانوی) گزینه های که برای استعمار انگلیس باقیمانده بود، محدود و چانس عملی ساختن ماستر پلان شان از دست میرفت. آن ها یا باید با استفاده از تمام امکانات موجود و اجازه شرکت اقوام وزیر، مسعود، و دور طرف دیگر خط تحمیلی دیورند با عجله نادرخان را بر اریکه قدرت می‌رساندند، و یا هم به مشکل آزادی و امنیت زنان، دختران و پسران خانواده نادر خان از چنگ درنده خویان سقوی پرداخته و ناچار امارت سقوی را که خود بحیث یک دوره انتقالی برای مقاصد خاص خود بمیان آورده بودن، برسمیت بشناسند، و نگذارند روس ها ازین فرصت استفاده نموده و پیشقدم شوند.

#### منابع

- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام های شماره ۳۱۵، ۳۲۰ و ۵۱.
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۰۳۹ مؤرخ ۸ اکتوبر به حکومت ایالت سرحدی شمال غربی.
- سیدال یوسفزی (نام مستعار سید قاسم رشتیا)، میزان ۱۳۷۸، تاریخ سکوت می شکند: نادر چگونه به پادشاهی رسید؟
- عبدالرحمن زمانی، بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس.
- اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، خلاصه راپور هفتگی شماره ۴۱ دفتر خاص اطلاعات پشاور، FO 371/6740.
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۹۵۸ پشاور به وزارت امور خارجه برای هند در لنده، مؤرخ ۳۰ سپتمبر ۱۹۲۹

(پایان)